



کعبه در خون

ویژه شهادت مولای متقیان امیرالمؤمنان علی (ع)
ناشر: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱
شمارگان: ۴۰۰۰۰ نسخه
سایت سازمان: www.awqaf.ir
سایت معاونت: www.mfso.ir
سایت مجتمع: www.mfpo.ir
آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی
آدرس مجتمع: قم، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲ مجتمع فرهنگی
پژوهشی معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۴۳۱-۷۷۳۷۱۳۱-۲۵۱



کعبه در خون

تولد:

حضرت علی (علیه السلام) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزند هاشم‌اند. پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبدمناف است و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبدمناف می‌باشد. خاندان هاشمی از لحاظ فضائل اخلاقی و صفات عالیه انسانی در قبیله قریش و این طایفه در طوایف عرب، زبانزد خاص و عام بوده‌است.

داستان به دنیا آمدن امیر المومنین (علیه السلام) در بین دانشمندان و مورخان از معجزات الهی شمرده می‌شود لذا قضیه متولد شدن حضرت علی (علیه السلام) را اینگونه می‌نویسند که:

«فاطمه دختر اسد به هنگام درد زایمان راه مسجدالحرام را در پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و خداوند را به پیامبران و کتاب‌های آسمانی و کودک در شکمش قسم داد تا تولد نوزاد بر او آسان گردد. ناگهان دیوار جنوب شرقی کعبه شکافته شد. فاطمه وارد کعبه شد، و دیوار به هم پیوست. فاطمه تا سه روز در شریفترین مکان گیتی مهمان خدا بود. و نوزاد خویش سه روز پس از سیزدهم رجب سی‌ام عام الفیل فاطمه را به دنیا آورد. دختر اسد از همان شکاف دیوار که دوباره گشوده شده بود بیرون آمد و گفت: پیامی از غیب شنیدم که نامش را علی بگذار.»

کعبه در خون

کودکی :

در دوران کودکی حضرت علی (علیه السلام) در اثر خشکسالی در مکه، ابوطالب با هزینه های سنگین زندگی روبرو شد. پیامبر اسلام (ص) با مشورت عمومی خود عباس توافق کردند که هر یک از آنها فرزندی از ابوطالب را به نزد خود ببرند تا گشایشی در کار ابوطالب باشد لذا عباس ، جعفر را و پیامبر (ص)، علی (علیه السلام) را به خانه خود بردند .

به این طریق حضرت علی (علیه السلام) به طور کامل در کنار پیامبر قرار گرفت . علی (علیه السلام) آنچنان با پیامبر (ص) همراه بود ، که هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را نیز همراه خود می برد .

نوجوانی و ایمان به پیامبر (ص)

شکی نیست که سبقت در کارهای خیر نوعی امتیاز و فضیلت است . و خداوند در آیات بسیاری بندگان را به انجام آنها ، و سبقت گرفتن بر یکدیگر دعوت فرموده است .

از فضایل حضرت علی (علیه السلام) است که او نخستین فرد ایمان آورنده به پیامبر (ص) باشد . چنانکه خود

کعبه در خون

ایشان در بیان فضایل خویش به این نکته اشاره می فرمایند: «من بنده خدا و برادر پیغمبر خدا و صدیق (مبالغه از تصدیق) اکبر هستم هر که این ادعا را (جز من) بکند دروغگو و افترا کننده است. من با پیغمبر خدا نماز خواندم در آن زمان هفت سال قبل از مردم نماز خواندم.»

دوران جوانی امیرالمومنین علیه السلام

دوران جوانی حضرت علی علیه السلام پر از فراز و نشیب هایی است که هریک از آنها فضیلت و منقبتی برای ایشان محسوب می شود. جانبازی و فداکاری در میدان جهاد: حضور وی در ۲۶ غزوه از ۲۷ غزوه پیامبر صلی الله علیه و آله و شرکت در سریه های مختلف از افتخارات و فضایل آن حضرت است. همچنین از بزرگترین کارهای ایشان ضبط و کتابت وحی (قرآن) و تنظیم بسیاری از اسناد تاریخی و سیاسی و نوشتن نامه های تبلیغی می باشد.

در این دوران بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان اخوت و برادری مسلمانان را صادر فرمود و با حضرت علی علیه السلام پیمان برادری و اخوت بست و به حضرت علی علیه السلام فرمود: «یا علی أنت أخي و وصی و وارثی و خلیفتی علی امتی فی حیات و بعد وفاتی»، «تو برادر من و جانشین من و وارث من و خلیفه

کعبه در خون

بر امت من هستی چه من زنده باشم و چه وفات کنم.»

بعد از رحلت پیامبر و دوران خلفا

بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ ایشان به تربیت شاگردانی در عرصه های مختلف از جمله در تفسیر قرآن و تبلیغ دین و پرورش گروهی که ضمیر پاک و روح آماده برای سیر و سلوک داشتند تا در پرتو رهبری و نفوذ معنوی امام بتوانند قله ها و کمالات معنوی را فتح کنند، می پرداختند و به بیان احکام شرعی در رویدادهای نوظهور که در اسلام سابقه نداشت و یا قضیه چنان پیچیده بود که قضات از داوری درباره آن ناتوان بودند، می پرداختند. از سوی دیگر با کار و کوشش برای تامین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان، تلاش می کردند تا آنجا که امام (علیه السلام) با دست خود باغ احداث می کرد، قنات حفر می نمود و آن را در راه خدا وقف می نمود.

علی (علیه السلام) و دوران خلافت

امام علی (علیه السلام) پس از کشته شدن عثمان، بنا به خواست بیشتر مهاجران و انصار خلافت را پذیرفت. او نخست از

کعبه در خون

پذیرش این مقام خودداری می کرد، ولی سرانجام پس از اصرار مردم، زمام خلافت را به دست گرفت.

امام علی (علیه السلام) در شرایطی زمام امور را به دست گرفت که جامعه اسلامی به واسطه شکافها و اختلافهای اجتماعی و اقتصادی در سرآشویی سقوط قرار گرفته بود. آن حضرت سیاست اصلاح طلبانه خویش را در زمینه های حقوقی، مالی و اداری به اجرا گذارد.

تضمین حقوق مساوی و لغو امتیاز و برتری در بیت المال هدف عمده او بود؛ به طوری که قضیه آمدن برادرش عقیل و درخواست او از آن حضرت مشهور است.

اقدامات اصلاح طلبانه امام علی (علیه السلام) به همان اندازه که برای طبقه فقیر و ستمدیده شادی آفرین بود، بر گروهی که منافع نامشروعشان در خطر افتاده بود، سخت و گران بود. به طوری که در اثر مخالفتهای آنها سه جنگ بزرگ را در جامعه اسلامی به راه انداختند.

جنگ های علی (علیه السلام)

در اثر مخالفتهای گروهی از مخالفان عدالت علوی، نبردهای سه گانه با ناکثین، قاسطین و

کعبه در خون

مارقین بر امیر المومنین (علیه السلام) تحمیل شد که به طور جداگانه توضیح مختصری می‌دهیم:

نبرد با ناکثین (جمل)

نبرد با ناکثین (پیمان شکنان) از این جهت رخ داد که طلحه و زبیر که با علی (علیه السلام) بیعت کرده بودند، تقاضای فرمانروایی بصره و کوفه را داشتند، ولی امام با درخواست آنان موافقت نکرد. آنان سرانجام مدینه را به عزم مکه ترک کردند و در آنجا با استفاده از بیت المال غارت شده توسط امویان، ارتشی تشکیل داده رهسپار بصره شدند و آنجا را تصرف نمودند، علی (علیه السلام) مدینه را به عزم سرکوبی آنان ترک گفت و در نزدیکی بصره نبرد شدیدی رخ داد که با پیروزی علی و شکست ناکثین پایان یافت و این نبرد، همان جنگ جمل است که در تاریخ برای خود سرگذشت گسترده‌ای دارد. این نبرد در سال ۳۶ هجری رخ داد.

نبرد با قاسطین (صفین)

این گروه مستکبران بی‌ایمانی بودند که پس از فتح مکه به ظاهر اسلام آوردند. در راس این گروه

کعبه در خون

معاویه بن ابوسفیان قرار داشت که از طرف خلیفه دوم عهده دار ولایت شام بود. مردم آن سامان که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حشر و نشر نداشتند اسلام را از دید معاویه می شناختند و حکومت او را نسبت به سلطنت های خودکامه پیشینیان که دست نشانده ایران یا روم بودند، مطلوب می دیدند. معاویه که در کمک عثمان سستی کرده بود، حالا کشته شدن عثمان را بهترین فرصت برای نیل به آرزوی دیرینه خود می دانست. از این رو پیراهن عثمان را در مسجد آویخت و علم خونخواهی برافراشت. آنگاه با جمع کردن افراد کاردان و مطیع سپاهی بزرگ برای جنگ و قیام مسلحانه علیه امیرالمومنین علیه السلام فراهم کرد و جنگ صفین را به وجود آورد. در این جنگ که سپاه علی علیه السلام با پیروزی فاصله ای نداشت، معاویه با نیرنگ خاصی در میان سربازان علی علیه السلام اختلاف و شورش پدید آورد. سرانجام پس از اصرار زیاد از جانب یاران علی علیه السلام امام ناچار تن به حکمیت ابوموسی اشعری و عمرو عاص داد. فشار روی امیرمومنان جهت پذیرفتن مسئله حکمیت به پایه ای رسید که اگر نمی پذیرفت، شاید رشته حیات او گسسته می شد و مسلمانان با بحران شدیدی روبه رو می شدند. پس از فرارسیدن موعدی که قرار بود حکمین نظر خود را ابراز دارند، عمروعاص، ابوموسی را فریب داد و نقشه موزیانه معاویه را بر همگان آشکار ساخت. پس از ماجرای حکمیت تعدادی از مسلمانانی که قبلاً با حضرت علی علیه السلام همراه بودند بر ضد ایشان خروج کردند و امام را

کعبه در خون

به خاطر قبول حکمیتی که خود بر وی تحمیل کرده بودند، مورد انتقاد قرار دادند. نبرد با قاسطین در سال ۳۷ هجری رخ داد.

نبرد با مارقین (نهروان)

مارقین، همان گروهی بودند که علی علیه السلام را وادار به پذیرش حکمیت کردند، ولی پس از چند روز از کار خود پشیمان شده خواستار نقض عهد از طرف امام شدند، امام علی علیه السلام کسی نبود که پیمان خود را بشکند و نقض عهد نماید، لذا اینان که همان خوارج می‌باشند در برابر حضرت علی علیه السلام دست به صف آراییی زدند و در نهروان با علی علیه السلام به جنگ پرداختند. حضرت علی علیه السلام در این نبرد پیروز گشت ولی کینه‌ها در دل‌ها نهفته ماند. این نبرد در سال ۳۸ و یا به گفته برخی از مورخان در سال ۳۹ هجری رخ داد.

علل انتقال مرکز خلافت به کوفه

دلایل انتقال مرکز حکومت به کوفه توسط امیر المومنین علیه السلام را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد:

۱. موقعیت جغرافیایی کوفه

کوفه به لحاظ اینکه تقریباً در قلب مملکت اسلامی قرار داشت، دسترسی به شرق و غرب و شمال و جنوب قلمرو اسلامی، کاملاً میسر بود؛ لذا عراق به مدت شش قرن، در حکومت عباسیان مرکز خلافت بود و تنها مدت اندکی در عصر مأمون، مرکز خلافت به‌همرو منتقل گردید که بعد از توصیه امام رضا علیه السلام به بغداد انتقال یافت.

از سوی دیگر شام که تحت حکومت معاویه قرار داشت، و از ابتدای خلافت حضرت علی علیه السلام علم مخالفت با آن حضرت را برافراشته بود، با عراق هم مرز بود و از کوفه به خوبی میشد آنجا را زیر نظر گرفت و با نفوذ عوامل معاویه در میان مردم عراق که عمدتاً هوادار امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، مقابله کرد.

۲. موقعیت نظامی کوفه

با شروع فتوحات در زمان عمر، مردم قبایل مختلف عرب به خصوص قبایل قحطانی یمن به سوی عراق روانه شدند و در دو شهر کوفه و بصره که برای استقرار مجاهدان تأسیس شده بودند، مستقر گشتند. در این زمان مدینه جایگاه نظامی خود را از دست داده بود و مردان جنگاور، از آنجا به

عراق و سایر مرزهای اسلامی مهاجرت کرده بودند. به همین سبب نیز مدینه بعد از این در برابر هجومهای خارجی، توان مقاومت نداشت.

۳. موقعیت اقتصادی کوفه

عراق از نظر کشاورزی غنیترین مناطق روی زمین است و دو رودخانه بزرگ، دجله و فرات از آن میگذرند. بدین لحاظ کهنترین تمدنهای بشری در این منطقه شکل گرفته است. از سوی دیگر به جهت استقرار مجاهدان در آنجا، خراج و غنیمتهای سرزمینهای مفتوحه در آنجا جمع میشد.

در مقابل، مدینه که از لحاظ اقتصادی آسیبپذیر بود به سهولت میشد آن را به محاصره اقتصادی در آورد؛ چرا که به واردات اتکا داشت.

۴. نفوذ و محبوبیت امیر مؤمنان (علیه السلام) در کوفه

در میان سرزمینهای اسلامی، عراق و کوفه بیشترین هواداران و دوستداران امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در خود جای داده بود و پیوسته علاقه و محبت آن حضرت، در آنجا غالب بود. خود امیرمؤمنان (علیه السلام) درباره کوفه میفرماید: «خاک آنجا ما را دوست دارد؛ ما نیز آن را دوست میداریم... کوفه شهر ما

کعبه در خون

و جایگاه شیعیان ما است.» در میان اهل کوفه حتی کسانی که از اهل سنت به شمار می‌آمدند و به اصطلاح، میانهری بودند، مثل: سفیان ثوری، باز علی (علیه السلام) را بر ابوبکر ترجیح می‌دادند. این حالت پیش از آن که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بدان جا مهاجرت کند، وجود داشت. لذا بعد از بیعت مردم مدینه با علی (علیه السلام)، بیعت و فرمان برداری خود را اعلام کردند.

اما عامل دوم، وجود صحابیان بزرگوار شیعی چون: عبدالله بن مسعود و عمار یاسر در میان آنان بود. عمار به عنوان فرماندار و ابن مسعود به عنوان معلم قرآن آن جا بودند. تحت تاثیر تعلیمات این بزرگواران، هواداری از علی (علیه السلام) در آن سامان شایع بود. به طوری که بعد از به خلافت رسیدن امیرمؤمنان، در سخنرانی‌های بزرگان کوفه، درباره امیرمؤمنان تعابیری چون: وصی رسول الله... دیده میشود که حاکی از تشیع آنها است.

فضایل علی (علیه السلام)

علی (علیه السلام) در لسان قرآن

قرآن به دلیل کلی‌گویی و برای پرهیز از تحریف شدن آن به دست دشمنان امام علی (علیه السلام) از

کسب درخون

آوردن صریح نام او خودداری کرده است، ولی براساس نظر بیش تر علمای شیعه و سنی، نزدیک به صد آیه در شأن و مقام و منزلت امام علی (علیه السلام) نازل شده است. در این مورد کتابها و مقالات بی شماری نوشته شده و سخنرانی های بسیاری ایراد شده که لازم است محبان امیرالمومنین (علیه السلام) جهت کسب معرفت بیشتر به آنها مراجعه نمایند .

نمونه ای از فضائل علی (علیه السلام) در روایات

حارث بن ثعلبه می گوید: به سعد گفتم آیا چیزی از منقبت علی (علیه السلام) درک کرده ای؟ گفت: آری چهار منقبت از او مشاهده کرده بودم و پنجمی را هم مشاهده کردم به گونه ای که اگر یکی از آنها در من بود برای من از داشتن شتران سرخ مو محبوب تر بود .

پیامبر خدا ابوبکر را با سوره براءت فرستاد سپس علی را فرستاد تا سوره را از ابوبکر گرفت، ابوبکر برگشت و گفت : یارسول الله آیا درباره من چیزی نازل شده است؟ فرمود: نه، فقط می خواستم آن سوره را مردی از خود من ابلاغ کند .

و نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) همه درها را (که به مسجد باز می شد) بست ولی در خانه علی را نبست، گفتند:

کعبه در خون

همه درها را بستی ولی در خانه او را رها کردی؟ فرمود: آن‌ها را از پیش خود نبستم و از پیش خود باز نگذاشتم .

پیامبر خدا ﷺ عمر بن خطاب را با مردی دیگر به خیبر فرستاد و هر دو شکست خورده باز گشتند سپس پیامبر ﷺ فرمود: فردا پرچم را به دست مردی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند و ستایش بسیار کرد تا اینکه پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) را صدا زده و پرچم را به دست او داد و خداوند او را پیروز گردانید.

چهارمین منقبت این بود که در غدیر خم رسول خدا ﷺ دست علی (علیه السلام) را گرفت و آن را بالا برد تا جایی که زیر بغل‌هایشان دیده می‌شد سپس فرمود: هر کس که من مولای او هستم علی مولای اوست .

پنجمین منقبت این بود که، پیامبر خدا ﷺ او را در میان خانواده خود جانشین خویش کرد و فرمود: تو برای من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز اینکه پیامبری پس از من نخواهد آمد .

کعبه در خون

زهد علی علیه السلام

ضراوه بن ضمیره می گوید: بعضی از شبها علی علیه السلام را در محراب می دیدم دست بر محاسن گرفته مانند شخص مارگزیده به خود می پیچد و مانند شخص حزین گریه می کند. گویا حالا می شنوم که می گفت: ای دنیا، ای دنیا، آیا متعرض من شده‌ای یا اشتیاق به من پیدا کرده ای هیهات، هیهات، جز مرا بفریب، من احتیاجی به تو ندارم، تو را سه طلاق داده‌ام.

امام علی علیه السلام در کلام دیگران

علی از مردانی است که هم جاذبه دارد و هم دافعه، و جاذبه و دافعه او سخت نیرومند است. شاید در تمام قرون و اعصار جاذبه و دافعه‌ای به نیرومندی جاذبه و دافعه علی پیدا نکنیم. دوستانی دارد عجیب، تاریخی، فداکار، باگذشت؛ از عشق او همچون شعله‌های خرمنی از آتش، سوزان و پرفروغ‌اند؛ جان دادن در راه او را آرمان و افتخار می‌شمارند و در دوستی او همه چیز را فراموش کرده‌اند. از مرگ علی سالیان بلکه قرونی گذشته، اما! این جاذبه همچنان پرتو می‌افکند و چشمها را به سوی خویش خیره می‌سازد.

کعبه در خون

علی به همین شدت دشمنان سرسخت دارد، دشمنانی که از نام او به خود می‌پیچیدند. علی از صورت یک فرد بیرون است و به صورت یک مکتب موجود است، و به همین جهت گروهی را به سوی خود می‌کشد و گروهی را از خود طرد می‌نماید. آری، علی شخصیت دنیروی است.

ابوبکر بارها به برتری و فضیلت علی علیه السلام برخود و دیگر صحابه اعتراف کرده است؛ از جمله: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: احدی از صراط نمی‌گذرد مگر آن که از علی علیه السلام جواز عبور داشته باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: منزلت و مقام علی علیه السلام برای من مانند منزلت و مقام من است برای خدا. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: نگاه کردن به صورت علی علیه السلام عبادت است.

خلیفه‌ی دوم نیز در موارد بسیاری بر فضیلت امیر مؤمنان علیه السلام تصریح کرده است؛ از جمله: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: دوستی علی علیه السلام باعث نجات از جهنم است.

اگر علی علیه السلام نبود مفتضح می‌شدم. اگر آسمان‌های هفت‌گانه را در یک کفه‌ی ترازو بگذارند و ایمان علی علیه السلام را در کفه‌ی دیگر، ایمان علی علیه السلام از آن سنگین‌تر است.

کعبه در خون

اگر شمشیر علی (علیه السلام) نبوده، اسلام استوار نمی‌گشت. ما در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) چنان می‌نگریستیم که گویی بر ستاره‌ی آسمان نگاه می‌کردیم.

یا علی! (علیه السلام) هر مشکلی که تو در آن داوری نکنی، فرخنده و مبارک مباد!

معاویه بن ابوسفیان می‌گوید: «اگر علی خانه‌ای پر از طلای ناب و خانه‌ای پر از علوفه داشته باشد، طلا را پیش از علوفه می‌بخشد!»

ابن ابی الحدید معتزلی در مقدمه شرح نهج البلاغه با اشاره به افضلیت امیرالمومنین (علیه السلام) می‌گوید: «حمد خدایی را که به خاطر مصلحت مفضول (ابوبکر) را بر افضل (علی) در امر خلافت مقدم کرد.»

علی (علیه السلام) و نهج البلاغه

کتاب نهج البلاغه که محتوی سخنان امیر المؤمنین (علیه السلام) و نامه‌ها و کلمات قصار آن بزرگوار است، بوسیله سید شریف رضی جمع‌آوری شده است، واقعیات و حقایق بسیار با اهمیتی را در باره سه موضوع (خدا و جهان و انسان) مطرح کرده است. توصیف و استدلال‌هایی که در باره سه موضوع

کعبه در خون

مذکور در نهج البلاغه صورت گرفته است، عقل سلیم و وجدان و فطرت پاک، مجموعاً دست بکار شده، مطالعه و بررسی کننده را با طرقي بالاتر و محکم‌تر از راههای منطقی معمولی با حقایق و واقعیات مربوط به این سه موضوع در تماس می‌گذارد.

مظلومیت علی (علیه السلام)

بدون شک بخش زیادی از زندگانی حضرت علی (علیه السلام) همراه با مظلومیت بوده است. مظلوم، کلمه‌ای است که همواره در زبان مردم دایر و رایج بوده است، هر کس به حق او تجاوز شود او را مظلوم می‌نامند، و حتی گاهی افرادی که ادعای بی جا دارند و بر آورده نمی‌شود فرد را مظلوم می‌دانند و یا افرادی به خواسته‌های نفسانی و بلند پروازانه خود نمی‌رسند نیز خود را مظلوم می‌دانند. در حالی که چنین نیست و این افراد مظلوم نیستند، بلکه مظلوم واقعی کسانی‌اند که به حریم آنان تجاوز شده و یا حق آنان به یغما رفته باشد و یا آن چه سزاوار آن هستند از آن‌ها دریغ داشته‌اند چنین افرادی را باید مظلوم دانست و امیرالمومنین علی (علیه السلام) مصداق چنین مظلومیتی است و اگر بگوییم در تاریخ اسلام کسی مثل علی (علیه السلام) مورد ظلم و تجاوز قرار نگرفته است گزاف نگفته‌ایم، زیرا هم به حریم آن حضرت تجاوز شد و هم حق او را به یغما بردند و هم آن چه

کعبه در خون

سزاوارش بود به او داده نشد و یا از او گرفته شد، از این رو خود می‌فرمودند: «از روزی که رسول خدا ﷺ بدرود حیات گفت و قبض روح شد تا امروز همواره مظلوم واقع شده‌ام.»

عبادت علی علیه السلام

از برترین امتیازات امیرمؤمنان علیه السلام که تمام صفات برتر او به نحوی از آن سرچشمه می‌گیرد، عبادت و بندگی اوست. او عابد شب و شیر دلاور روز بود که هرگز از عبادت و بندگی خدا خسته نشد. او در مرکز عبادت، یعنی کعبه به دنیا آمد و در حال نماز، در محراب عبادت مجروح گشت و با آن جراحت به شهادت رسید.

آن حضرت فرمود: «وَلَا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛» هیچ عبادتی همچون انجام دادن واجبات نیست.» و در حال شهادت نیز جملات نماز را بر زبان داشت که «مَاتَ عَلِيُّ وَ الصَّلَاةُ بَيْنَ شَفَتَيْهِ؛ علی از دنیا رفت در حالی که نماز بین دو لبش بود.» با این حال، علی علیه السلام اهل سیاست و حکومت، مرد رزم و جهاد، و اهل اجتماع و مردم‌داری بود. این گونه نبود که عبادت، او را از مسئولیتهای اجتماعی و خانوادگی باز دارد. عبادت او با همه امور زندگی پیوند داشت، بر عکس عده‌ای که در طول تاریخ

کعبه در خون

اهل عبادت و ریاضت بوده‌اند، ولی بریده از اجتماع و زندگی و خانواده به سر می‌بردند.

علی (علیه السلام) و شهادت

بعد از جنگ نهروان و سرکوب خوارج برخی از خوارج از جمله عبدالرحمان بن ملجم مرادی ، و بکر بن عبدالله تمیمی و عمرو بن بکر تمیمی در یکی از شبها گرد هم آمدند و اوضاع آن روز و خونریزی‌ها و جنگهای داخلی را بررسی کردند و از نهروان و کشتگان خود یاد کردند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که باعث این خونریزی و برادرکشی حضرت علی (علیه السلام) و معاویه و عمرو عاص هستند .

و اگر این سه نفر از میان برداشته شوند، مسلمانان تکلیف خود را خواهند دانست . سپس با هم پیمان بستند که هر یک از آنان متعهد کشتن یکی از سه نفر گردد. این ملجم متعهد قتل امام علی (علیه السلام) شد و در شب نوزدهم ماه رمضان همراه چند نفر در مسجد کوفه نشستند .

در شب نوزدهم ماه رمضان علی (علیه السلام) افطار را میهمان دخترش ام کلثوم بود. هنگام افطار سه لقمه غذا خورد و سپس به عبادت پرداخت. آن شب را تا صبح در اضطراب بود. گاهی به آسمان نگاه می

کعبه در خون

کرد و حرکت ستارگان را می‌نگریست و هر چه طلوع فجر نزدیک تر می‌شد تشویش آن حضرت بیشتر می‌شد و می‌فرمود: «به خدا قسم نه من دروغ می‌گویم و نه آن کسی که به من خبر داده دروغ گفته است. این شبی است که به من وعده داده‌اند و شهادت من در همین شب است». و سرانجام آن شب هولناک به پایان رسید و علی (علیه السلام) در تاریکی سحر برای ادای نماز صبح به سوی مسجد حرکت کرد. امام وارد مسجد شد و به نماز ایستاد و تکبیر افتتاح گفت و پس از قرائت به سجده رفت. در این هنگام ابن ملجم در حالی که فریاد می‌زد «الحکم لا لك يا علي» با شمشیر زهرآلود ضربتی بر سر مبارک علی (علیه السلام) وارد آورد. از قضا این ضربت بر محلی اصابت کرد که سابقاً شمشیر عمرو بن عبدود بر آن وارد شده بود و فرق مبارک آن حضرت را تا پیشانی شکافت. خون از سر علی در محراب جاری شد و محاسن شریفش را رنگین کرد. در این حال فرمود: «فزت و رب الکعبه؛ به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم».

حضرت علی (علیه السلام) در ۲۱ ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، و مزارش میعادگاه عاشقان حق و حقیقت شد.